

مرور آماری اعتراضات کارگران ایران در سال ۱۳۹۰

تهیه و تدوین: امیرجواهری لنگرودی
همکاران: احمد راستی و مهرداد مهرپور محمدی

آنچه طی سال ۹۰ شاهدش بودیم؛ واحد های صنعتی در کنار واحد های تولیدی بطور مدام ورشکسته، تعطیل و تخریب شده، کارگران اخراج و بیکار می گردند و صاحبان صنایع خصوصی شده با پول شویی های میلیاردی و اختلاس های کلان و خواباندن دهها و صد ها پروژه پولساز، بدهکاری خود به بانکها را پرداخت نکرده و چرخه تولید را به ویرانی کشانده اند. کارگران کشور همواره در صف دستمزدهای معوقه جا گرفته اند و نیروی بیکاران از مرز ۵ تا ۶ میلیون باید فزونتر باشد.

یادداشت:

این گزارش بر اساس آمارهای رسمی و غیررسمی تهیه شده است. در این گزارش سعی شده است تا تصویری کلی از اعتراضات کارگران در سال ۱۳۹۰ ارائه شود. این گزارش صرفاً جنبه آشنایی دارد و به هیچ وجه نباید به عنوان سند معتبر در نظر گرفته شود. همچنین این گزارش فاقد تحلیل و ارزیابی است و صرفاً بر اساس آمارها و گزارشات تهیه شده است. در صورت نیاز به اطلاعات بیشتر، می توان با نویسندگان این گزارش تماس گرفت.

در سال ۱۳۹۰، فلات بار گسترش فقر برای همه لایه های طبقه کارگرایران بوده است.

دربراینده آنچه که مربوط به پایان سال ۱۳۹۰ می گردد، سیاهه ای سراسر سیاه و تیره را در برابر خود داریم که برآمد عمومی استنتاج روزشمار کارگری یکساله را رقم میزند. در ایران ما با یک جمعیت پرشمار چند ده میلیونی خانوار کارگران روبرو هستیم. هیچکس نمی تواند از بیان آماری حدود یازده میلیون کارگر که با خانواده های شان حدود ۴۵ میلیون ایرانی را در یک جمعیت ۷۵ تا مرز ۸۰ میلیونی تشکیل می دهند، شانه خالی کند. مسایل این ۴۵ میلیون جمعیت کارگری را نمی شود در جنبش اجتماعی سراسری نادیده گرفت. باید بطور عمقی به مسأله کار، مسأله معیشت، مسایل اقتصادی، صنفی و اجتماعی، گذران زندگی سیاسی همه لایه های کارگری کشور نگریست.

آنچه طی سال ۹۰ شاهدش بودیم؛ واحد های صنعتی در کنار واحد های تولیدی بطور مدام ورشکسته، تعطیل و تخریب شده، کارگران اخراج و بیکار می گردند و صاحبان صنایع خصوصی شده با پول شویی های میلیاردی و اختلاس های کلان و خواباندن دهها و صد ها پروژه پولساز، بدهکاری خود به بانکها را پرداخت نکرده و چرخه تولید را به ویرانی کشانده اند. کارگران کشور همواره در صف دستمزدهای معوقه جا گرفته اند و نیروی بیکاران از مرز ۵ تا ۶ میلیون باید فزونتر باشد.

در شرایطی که بسیاری از واحد های صنعتی به انرژی ارزان عادت کرده اند و با هدف مند سازی یارانه ها از سال ۹۰ به اینسو، راهی جز تعطیل شدن پیدا نکردند، دولت به مثابه بزرگترین کارفرما، همواره از خود سلب مسئولیت می نماید و با واگذاری بخش های زیادی از صنایع به بخش خودمآنی سرمایه داری، تلاش دارد خصوصی سازی ها را مضمون بخشد. همواره این سؤال مطرح می گردد: در اقتصادی که ۸۵ درصد آن متکی بر درآمد نفت است، اصلاً خصوصی سازی یعنی چی؟ کجای چنین اقتصادی را می شود خصوصی کرد؟ میلیون ها انسانی که بر اثر خصوصی سازی به زیر خط فقر رانده می شوند، تکلیف آنها چه می شود؟ این ها پرسش هایی است که همواره در جامعه ما برای به تخریب کشانیدن معیشت کارگران و آنها را در فشار و تنگنای گذران زندگی و محتاج نگهداشتن، بی جواب مانده است. هر روز زندگی کارگران وضعیت وخیم تری به خود می گیرد. صاحبان شرکت های تولیدی هم کارشان اینجا و آنجا از رونق کافی

برخوردار نیست. چرا که سیاست دولت انداختن فشار از خود بردوش تولید کنندگان، خاصه تولید کننده گان خرده پا است. این امر صاحبان پروژه های بلند مدت و قدرتمندی همچون سپاه پاسداران و آقا زاده ها را که مجاری قدرت را به راحتی می شناسند را شامل نمی گردد بلکه یقه آن بخش هایی از صاحبان تولید می چسبد که واحد های آنان، قدرت رقابت در برابر واردات بیرویه همان کالاها ی تولیدی روزانه را ندارند و به ناچار صدمه می بینند و کالاهایشان به ناگزیر به طور فاحشی دچار افزایش قیمت شده و به ناگزیر با ورشکستگی روبرومی گردند.

در اخبار مطبوعات آمده است: «گزارشها از تعطیلی ۱۲۰۰ واحد تولیدی در سال ۹۰ خبر می دهد، برآورد می شود در سال ۹۱ هم تعداد واحدهای تعطیل شده بیش از این باشد، در سال های ۸۹ و ۸۸ هم ۷۰۰ و ۵۰۰ واحد تولیدی تعطیل شده اند. آمارها از میانگین بیکاری سالانه ۲۰۰ هزار کارگر هشت سال اخیر حکایت می کند. ۳۰ ماه حقوق معوقه، تعدیل ۲۰۰ کارگر، باز خرید کارگران، شش ماه حقوق معوقه، تعدیل ۷۰ درصد نیروها، سه سال حقوق معوقه، ۲۰ ماه حقوق معوقه و مزایا و عیدی سال ۸۶ تا کنون، بلا تکلیفی و بیکاری کارگران، ضعف مدیریت، بدهی به بانکها، تامین اجتماعی، استفاده از مرخصی اجباری و...، از جمله نکاتی است که در هنگام ورق زدن لیست شرکتها و واحدهای بحران دار سال ۹۱-۹۰ به چشم می خورد که خود مشتکی است نمونه خروار...» (فاطمه جمال پور، روزنامه شرق، ۱۱ اردیبهشت ۹۲) و یاد در گذرش ها آمده است: در سال ۹۱ ما با ورشکستگی عظیم صنعت چای و تعطیلی بیش از ۴۵ کارخانه چای سازی روبرو بوده ایم که - چرایی بحث آنرا به ارزیابی های بعد ترمان - موقوف می نمایم. ما در این واری آمار، استخراج جدول های آماری سال ۱۳۹۰، را با همان شیوه استخراج جدول های سال پیش (۱۳۸۹) و بر پایه هر سه ماه یکبار با تمرکز حول: تنوع اشکال حرکت های اعتراضی کارگران بخش های مختلف کشور شامل: (تظاهرات در برابر نهاد های رژیم- تحصن ها - راه بندان- تجمعات اعتراضی- اعتصاب و سایر اشکال...)، خواسته های کارگران شامل: (افزایش دستمزدها - جلوگیری از اخراج ها - ممانعت از تعطیلی کارخانه ها - برخورداری از حق تشکل - اعتراض به قراردادهای موقت، بنگاه های کاریابی و همچنین شرکت های پیمانکاری - اعتراض به واگذاری صنایع و کارخانه ها به بخش خصوصی - اعتراض به عدم افزایش حقوق و مزایا و غیره ...)، همچنین توجه به امر استخراج جدول های اخراج کارگران از واحدهای تولیدی - تعداد اخراج های واحد ها، رکود و تعطیلی کارخانه ها - نام رشته تولید - تعداد واحد ها - تعداد کارگران بیکار شده - حرکت ها حمایتی از اعتراضات و تحرکات کارگری شامل: (نامه های کارگران داخل کشور به نهاد های

بین المللی و بالعکس از جانب نهادهای کارگری خارج از کشور به محافل بین المللی در حمایت از کارگران داخل کشور، بازداشت ها - مرگ و میر کارگران حین کار و سایر موارد... از روز شمار کارگری سال مورد بررسی (۱۳۹۰) استخراج کرده ایم .

ذکر چند نکته در استخراج خبر و ارزیابی مادر تنظیم جدولهای آماری موجود مهم می نماید:

نکته اول این که؛ ما از میان چندین هزار خبر که جنبه های گوناگون "گزارش"، "تحلیل"، "پیام"، "اطلاعیه های کارگری"، "پیام های پشتیبانی های داخلی و بین المللی در حمایت از مبارزات کارگران ایران"، "گزارشات یاری های مالی" و غیره طی سال گذشته انتشار یافته که ما توانستیم به آن اخبار دسترسی یابیم. کارجمعی ما، همه آنها را در استخراج آماری جدولهایمان جا نداد. بلکه از میان بیش از ۴۴۹۸ خبر، ما در حدود بیش از سه (۳۰۰۰) هزار خبر فیکس کارگری را عینا استخراج کردیم.

نکته دوم اینکه؛ ما به ازاء آمارهای جمع آوری شده برپایه روز شمار کارگری هر سه ماهه یکبار، - که طی سال گذشته به طور مداوم (توسط امیرجوهری) انتشار یافت*؛ - لینک اخبار روز شمار کارگری عینا به اطلاع علاقمندان میرسد- از منابع خبرگزاری های رسمی کشور به ویژه: ایلنا، ایسنا، مهر، فارس و یا مطبوعات حکومتی ...، و حتی برخی سایت های گرایشات درون رژیم، و سایر منابع مستقل کارگری درون و برون کشور، در روز شمار کارگری جمع آوری شده مورد استخراج ما قرار گرفته است.

نکته سوم اینکه؛ بسیاری از اخبار کارگری تنها به تحرکات کارگران در سطح منابع یاد شده مربوط نمی گردند. به عنوان مثال، اخبار کارگری کارگاه های صنوف و یا دارقالی درون خانه ها و زیرزمین ها و کارگاههای قالی بافی در مناطق قالی بافی کشور، کارخانگی زنان که درجایی ثبت نشده است و یا کارگاههای ۱۰ نفره و ۵ نفره و زیر آنها، که عمدتاً در دولت محمد خاتمی از شمول قانون کار خارج شدند و حتی بخش های گسترده خدمات کشوری (هر دو بخش دولتی و خصوصی شده)، یا مشاغل کاذب آن سطح از کارگرانی که از روستاهای کشورکننده شده و در حاشیه کلان شهرهای تهران، تبریز - اصفهان - مشهد - شیراز و سایر استان ها و ترمینال اتوبوس ها، راه آهن، بازار تهران، سطح خیابان ها و مراکز استان ها و شهرهای نزدیک خود به کار مشغولند، یا کارفرساینده کودکان خیابانی کار که باز به مشاغل کاذب مشغولند و غیره ... همه و همه اجزای مهم اخبار کارگری کشورند که

در روز شمار کارگری ما جای خاصی ندارد. باید با صراحت یادآور گردیم؛ متأسفانه روز شمار کارگری ما فاقد این مجموعه از اخبار مبارزات کارگری ایران اند و این بخش ها را بازتاب نمی دهند. مثلاً بر پایه گزارشات رسمی منتشره کارگران شاغل در کارگاه ها و واحدهای کوچک تولیدی- خدماتی بخش بزرگی از طبقه کارگر کشور را تشکیل می دهند. با استناد به برآوردهای "خانه کارگر" جمهوری اسلامی، آمار کارگران شاغل در کارگاه های کوچک را ۷ میلیون نفر اعلام داشت. (خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا، آذرماه) از سوی دیگر، وزارت صنایع جمهوری اسلامی، در آمار سال ۱۳۸۷ خود، رسماً تأکید می کند که بنگاه ها و واحدهای کوچک نزدیک به ۹۰ درصد صنایع تولیدی ایران را تشکیل داده و ۶۳ درصد اشتغال کشور در اختیار این گونه واحدها و بنگاه هاست. ایضا خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا، دردی ماه سال گذشته، از قول مسئولین "خانه کارگر" جمهوری اسلامی، گزارش داده بود که، «کارگران واحدهای تولیدی- صنعتی کوچک اجباراً باید تعهدی محضی را امضاء کنند که در صورت وقوع حادثه هنگام کار هیچ حقوقی را طلب نکنند.» همچنین خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا، اسفند ماه سال قبل، گزارش داد: «کارگاه هایی که کارگران شان زیر ۱۰ نفر هستند از شمول قانون کار خارج بوده و کارفرمایان با میزان حقوقی کمتر از مصوبه شورای عالی کار در مورد حداقل دستمزدها کارگران را استخدام می کنند. در این کارگاه ها اغلب قراردادهای موقت و سفید امضاء است.» با توجه به آمارهای ارائه شده بالا، می توان به اهمیت حمایت از کارگران شاغل در کارگاه های کوچک و همچنین به نقش و تاثیر آنان در جنبش کارگری امروز کشور پی برد. از اینرو می توان گفت: تحرکات کارگران به مراتب وسیع تر و گسترده تر از این مجموعه ایست که در روز شمار کارگری در تمامی سال ۱۳۹۰ هر سه ماه یکبار فراهم آمده است.

چهارم اینکه؛ آمار جدول شده ما بر پایه اخبار روز شمار کارگری جمع آوری شده، در برگیرنده همه اعتراضات و اعتصابات و اجتماعات مطالباتی کارگران در سطح صنایع بزرگ و کارخانه های تولیدی یا واحد های خدماتی بزرگ را پوشش می دهد و فاقد اخبار مربوط به بخش های صنوف و کارگاههای سراسر کشور است. همه انتظار ما این خواهد بود که به پشتوانه توجه فعالان کارگری داخل بتوانیم به بخش وسیعتری از این اخبار دست یابیم و بتوانم آنها را در آینده فهرست نماییم .

برخی شاخص های اعلام شده برای سال ۱۳۹۰

نام گذاری سال:

چند سالی است که در نخستین روز سال، خامنه ای از پس پرده نهان

ظاهر می گردد و برای جهت یابی سیاست های کلان رژیم اسلامی، کل سال را نام گذاری می نماید. نامگذاری سال ۱۳۹۰ نیز، در نخستین روز همان سال صورت گرفت و آن را سال "جهاد اقتصادی" و "بهره وری نیروی کار" نام گذاشتند. بلافاصله بعد از این نام گذاری، این و آن به صحنه آمدند و از طبقه کارگر مایه گذاشتند تا برای خود در کنار رهبر جایی جستجو کنند. از آن جمله است علیرضا محبوب که گفت: «... کارگران پیشانی جهاد اقتصادی هستند و چرخ این جهاد به دست آنان به گردش درخواهد آمد پس باید توجه داشت که هر تحولی در اقتصاد کشور نیازمند داشتن توجه کافی به کارگران و حمایت از آنان است.» عضو کمیسیون اجتماعی مجلس، ضمن بیان اینکه مجلس از تمام ظرفیت های خود برای تحقق شعار جهاد اقتصادی در سال ۱۹۰ استفاده می کند، گفت: «اساس تحول اقتصادی در کشور آن هم به شکل جهادی که منظور نظر رهبر بزرگوار انقلاب است، نیازمند این است که دولت بیش تر از گذشته به دنبال کوچک کردن حجم خود و همچنین پرهیز از هزینه های غیر ضروری باشد، زیرا جهاد اقتصادی نیازمند صرفه جویی در هزینه های جاری کشور و تزریق آنها به بخش صنعت و کشاورزی برای افزایش تولید است» (روزشمار کارگری به نقل از خبرگزاری دولتی کار ایران- ایلنا، ۶ فروردین ۹۰) معنای دیگر این نامگذاری نیز می تواند این باشد که؛ حمله به زندگی زحمتکش و آحاد میلیونی فقرو مسکنت طی سال گسترش یابد و از آنجا که جوازانی نیروی کار هر عامل دیگری در تامین "بهره وری نیروی کار" مستلزم برنامه ریزی درازمدت و صرف هزینه های سنگین و مشروط به کارکرد زنجیره ای از عوامل تحقق ناپذیر دیگر است، طرفه آنکه انگاری قرار است از پس این شعار، شلاق بهره کشی و استثمار شدید تر از گذشته برگردد نیروی کار کشور فرود آید. کارگران در مبارزه علیه همه این عوامل فلاکت زا و در راس آنها رژیم که پاسدار شرایط وحشیانه تر برده کشی و بی حقی اوست به شکل مستقل کارگری و به طرف های سراسری شکل مستقل خود احتیاج دارد؛ اما رژیم که هرگونه شکل مستقل کارگری و هرگونه مبارزه سازمان یافته مطالباتی مزد و حقوق بگیران را، مسیر خطرناکی برای خود می بیند، فشار را بر فعالین کارگری شدت داده است. از همین رو است، همچنان در شرایط سال نود (۱۳۹۰) غلامرضا غلام حسینی، منصور اسانلو، مرتضی کمساری، ابراهیم مددی و رضا شهابی، چهار عضو سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، در حبس به سر می برند. در سیزدهم فروردین ماه، بیش از ۷۰ نفر در تبریز بازداشت شدند.

کمیته ی هماهنگی برای ایجاد شکل های کارگری روز یکشنبه ۱۱ اردیبهشت ۹۰ از بازداشت محمود صالحی از فعالین سرشناس کارگری

خبر داد. به گزارش این کمیته، محمود صالحی ساعت یک و نیم بعد از ظهر توسط پنج نفر از نیروهای اطلاعاتی دستگیر شده است. جدا از این طی سال منصور اسالو را با قرار وثیقه مشروط و برای مدتی محدود آزاد می سازند، سراغ شاهرخ زمانی میروند و او را به زندان تبریزی کشانند. بهنام ابراهیم زاده فعال حقوق کودکان خیابانی و عضو کمیته پیگیری-علی نجاتی چهره شناخته شده سندیکای کارگران هفت تپه- حسین مرادی یکی دیگر از فعالین کارگری و عضو کمیته هماهنگی در شهر سقز دستگیر شد. متعاقب آن تعدادی نیز با سپردن وثیقه های سنگین آزاد شدند. رسول بداعی معلم شناخته شده همچنان در زندان است. خالد حسینی را زندان تعلیقی می دهند و پرونده پشت پرونده برای فعالین کارگری می بندند. - روز شمار کارگری این سال نمونه های فراوان دستگیری ها و احضارها و زندان بردن ها را گزارش داده است- بعبارت دیگر سال ۹۰، فشار بر حق معیشت و هستی زندگی کارگران به وسیع ترین شکل دیده شد و نتیجه این اعمال عهد بوقی، فرود آوردن شلاق بیکاری و اخراج برگزیده کارگران و زحمتکشان بوده است.

نتیجه آن که تمامی سال ۹۰، برخلاف توجه به هر سطح از "افزایش بهره وری" و "جهاد اقتصادی" برای بالا بردن راندمان زندگی کارگران، چپاول و اختلاس های میلیاردی و خانه خرابی مردم جا گیر "افزایش بهره وری" شد به جای جهاد اقتصادی، منافع ملی کشور را چگونه به گند کشیدند و سال بعد (۹۱)، خامنه ای عنوان "تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی" جایگزین "جهاد اقتصادی" کرد و در این سال کارخانه های تولیدی اش یکی پس از دیگری به جای شکوفایی سال "تولید ملی" روبه تعطیلی و مرگ نهاد. این همه نشان می دهد که نام گذاری های از این نوع هیچ گشایشی در کار نیروی رنج و زحمت جامعه مادر بر چپاولگری سرمایه با خود داشته و ندارد.

متعاقب این نام گذاری توسط خامنه ای، رئیس دولتش احمدی نژاد در دیدار با نیروهای وزارت اطلاعات گفته است: «امروز جمهوری اسلامی ایران در مسیر شکوفایی و صعود قرار دارد. ما باید از این مقطع سرفرازانه عبور کنیم» باید پرسید: در شرایطی که تورم در همین سال به بالای پنجاه درصدی رسید، چگونه می توان از "شکوفایی و صعود" روبه رشد نظام صحبت داشت و حقایق واقعی جامعه را وارونه تحویل مردم داد؟ این کشاکش ها در نظام و حدت یافتن دزدی ها و دارایی های عمومی آن حدی است که امروز کُوس رسوایی آن همه جا پیچیده است. می توان گفت: جمهوری اسلامی، حکومت دزدان و چپاولگران و اختلاس گران بی مهار آیت الله ها، آقازاده ها و سردمداران سپاه و دیگر نهاد ها و بنیاد های بیت رهبری و تولیت های آستان های امامان و

امام زاده های ریز و درشت است. این را اسناد روزشمار کارگری به تناوب نشان داده است.

تحریم های امپریالیستی و عوارض آن بر تعطیلی صنایع و کارگران:

در مقام مقایسه بین دو سال ۸۹ و ۹۰ نسبت به سال های قبل تر، یک نکته غیرقابل کتمان است که ما در دور دوم تحریم های امپریالیستی باشکندگی بیشتری در سطح جامعه روبروهستیم. روزگاری بحث تحریم، به مثابه صاعقه ای وبه نشانه برخورد تنبیهی از سوی شورای امنیت در برابر سیاست یک دنده گی احمدی نژاد بر سرغنی ترسازای اورانیوم و بحران هسته ای واتمی او بود. این کشاکش دوسویه طی حکومت اوتا اینجا طول کشید و ما با سطح وسیع تحریم های کشورهای سرمایه داری جهانی و امپریالیسم آمریکا بشکل قطعی در رابطه با ایران روبروهستیم. یک نکته روشن است از ابتداء محاسبات تحریم گران، هنوز برای ما کاملاروشن نبود، ولی آنچه که مشخص است برخی مواد اولیه ای که کارخانه ها را می تواند سرپا نگه دارند، قطعا و قطعادر لیست کالاهای تحریمی جا دارند و این آن نکته ای است که با نرسیدن کالاهای اساسی برای تولید چرخه کارخانه ها از یک سوتعطیلی تعدادی از آنها را به دنبال داشت و از سوی دیگر محرومیت، بیکاری و نارسایی های اساسی در سطح معیشت کارگران کارخانه های تعطیل شده پدید آورد و ماهمچنان با تعطیلی تعداد زیادی از کارخانه ها روبروهستیم. جدول های روزشمار کارگری سه ماه شماره های ۳-۷-۱۰-۱۳ در طی یکسال در سطوح مختلف بیانگر آماری سطحی از تعطیلی صورت گرفته شده است.

تا اینجا یک نکته دیگر هم روشن شد و آن اینکه ادامه و بسط تحریم ها به ندادن دانش و اطلاعات فنی بویژه روی حوزه های صنایع پتروشیمی و نفتی و گازی ما اثر گذاشت و حرکت عمومی چرخه تولید در این زمینه ها را کند کرد و ای بسا خود این امر در میان مدت یا بلند مدت بر تولید نفت خام اثر بگذارد و فعالیت گازرسانی را نیز با مشکل روبرو بسازد.

امروز بخش های از لیست کالاهای تحریم شونده نیز در سطح اخبار روزشمار کارگری به نقل از مطبوعات رژیم قید شده است. خود گستردگی اقلام کالاهای تحریمی توسط سرمایه داری جهانی، نقش واسطه های لابی اقتصادی را بازمی گذارد. هرچند با نا امن شده سرمایه گذاری ها بدلیل همین گسترش تحریم ها، انسدادهای مالی نیز افزایش می یابد و در این میان، حتی امکان چانی زنی های خریداران ایرانی را در پیش تجار کشورهای دیگر پابین می آورد، ولی فروشندگان خارجی از طریق واسطه ها و دلان اقتصادی، با تسلط بیشتری بر تحمیل قیمت های

خود برخورداران ایرانی تاکید می‌ورزند. در این گیرودار، ورود کالاهای اساسی مورد لزوم مردم مثل دارو- مواد بهداشتی و برخی اقلام خوراکی، منسوجات و غیره ... هرچند رابطه مستقیمی با مسائل هسته ای یا ساخت موشک های دوربرد و یا غنی کردن اورانیوم نداشته و ندارد. این امر اثر روانی تخریبی خود را بر مجموعه این داد و دهش ها و برحیاتی اقتصادی کشور ما تحمیل می‌کند. و این همه در حالیست که هاشمی رفسنجانی رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام در پایگاه اطلاع رسانی اش می‌نویسد: « چند روز پیش مدیران صنایع غذایی پیش من آمده بودند که می‌گفتند: از ۱۲ هزار صنعت غذایی الان ۶ هزارش کار نمی‌کنند و کارشان را کنار گذاشتند. یا مواد ندارند و یا نمی‌توانند حقوق کارگران را بدهند.» (به نقل از روزنامه کارگری فروردین ۹۰) و یا رییس اتحادیه نانوایان سنتی تهران حسین نظری از تعطیلی حدود ۳۰۰ واحد نان سنتی در شهر تهران خبر داد و گفت: «عوامل متعددی پس از اجرای قانون هدفمندی یارانه ها در بروز چنین وضعیتی موثر بوده که افزایش نرخ حامل های انرژی یکی از آن موارد است.» (به نقل از روزنامه کارگری، اردیبهشت ۹۰)

هم اکنون با گذر از سال ۸۹ به ۹۰ ما شاید تحریم کثرت اقلام توسط امپریالیسم آمریکا و اتحادیه اروپا به ایران هستیم. با توجه به ساختار متناقض اقتصاد ایران، تاثیرات بجا مانده از انعکاس تحریم ها و تلاش احتکارگران از یک طرف، وجود واسطه های کلان و اربابان بازار- نه فقط حاجی بازاری ها - بلکه آقازاده های تازه دوران رسیده و آیت الله های ریزودرشت شکرخوار- چایی خوار - برنج خوار- آهن خوار و سپاه پاسداران صاحب اسکله ها و تعرفه های گمرکی و غیره ... بشدت نونوارتر و فربه تر می گردند ولی از طرف دیگر این امر وسیله افزایش قیمت ها در بازار ایران شده، خانه خرابی های بازگسترده تری در سراسر کشور خاصه در بین محرومین و همه لایه های کارگران کشور شده و به سطح معیشت یکایک آنان، آسیب های جبران ناپذیری وارد ساخته و گذران زندگی آنان هرآن روبروی تلاشی و گسست می برد و کارگران را در برابر اخراج های گسترده و بیکارسازی های فله ای به نوعی سکوت و تن دادن به وضعیت موجود روبرو می سازد.

گسترش تورم و افت تعیین دستمزد :

در سال ۱۳۹۰، گزارش بانک مرکزی که تا حدی آماررسانی دولت (عدالت پرور) را نمایندگی می کند در برابر داده های اجتماعی موجود، پیرامون رشد تورم با هم خوانایی ندارند. در اواخر سال بانک مرکزی نرخ تورم در ایران را ۳۱ درصد اعلام کرد. درحالیکه اقتصاد دانان

مستقل این رقم را به مرزبالایی ۵۰ درصد گزارش می کنند. آنچه به بهای بالای تورم می انجامد در تمامی سال یعنی ازابتداء اسفند ۹۰ تا ابتداء اسفند ۹۱ درگزارشات خبری ما منعکس است. مادرمرحله اول باافزایش بی سابقه بهای ارزروبروهستیم. همین امر باعث شد بهای کالاهای وارداتی به شدت بالا برود. اقتصاد ایران طی سال های اخیربه خصوص درمورد کالاهای مصرفی وحتى برخی کالاهای غذایی مانند گندم، برنج، چای و بلغور...؛ با واردات پیوند تنگاتنگ پیدا کرده است. دراین میان وقتی قیمت کالاهای وارداتی بالا می رود، برروی قیمت کالاهای مصرفی برای خانوارها اثرافحشی بجا می گذارد. بویژه آنگاه که در کشور ما به موازات ورود بی رویه کالاها، غیرازصدورنفت ازکشور ما به جهان سرمایه داری و یا خریداران کالاها ی ما، هیچ پشتوانه اقتصادی دیگری نداشته و نداریم. و دیگر اینکه درمرحله دوم افزایش نرخ چاپ اسکناس بی پشتوانه یا افزایش نرخ عرضه پول درایران که متاسفانه به دلیل گسترش تحریم ها ونوسانات قیمت نفت دربازارجهانی، وشکاف های موجود دربازاربورس ایران ویابی نتیجه ماندن نتایج مذاکرات جهانی با نمایندگان دولت ایران برسرسیاست های اتمی ویادلایلی دیگری،لحظه به لحظه درنوسان بوده وبالا رفته است. افزایش پول دردست بخشی ازمردم که ازراه های مختلف بدست می آورند.همه این موارد، مستقیما روی افزایش قیمت کالاها اثرمی گذارد. دیگراینکه کشورما با کاهش تولید ملی روبرواست. علت کوچک شدن تولید ملی،اولاتحریم های گسترده امپریالیستی،حاکمیت ناکارآمد، مدیریت غلط وغیرکارشناسانه درمورد برداشتن یارانه ها به خصوص درزمینه بهای سوخت وهمچنین درآزاد سازی بی رویه واردات دردست سپاه پاسداران، آقازاده ها وخود آیت الله ها است. وقتی قیمت تولید درداخل بالا رفته وقیمت کالا به دلیل برداشتن یارانه ها زیاد شده ودرعین حال کالاهای ارزان وارداتی ازچین وماچین دربازارایران زیاد می شود، تولید کننده داخلی توان رقابت با کالای وارداتی را ندارد. این نکته آخربه یک غده بدخیم دراقتصاد ایران بدیل شده واثرات تخریبی آن دراقتصاد کشوردرتمامی سال ۱۳۹۰ را شاهدیم و متاسفانه این روند ویرانگرهمچنان وهمچنان ادامه دارد..

باتوجه به آسیب بجامانده ازحدت تحریم ها، رشد اقتصادی صفردرصد وتورم در برخی حوزه ها دربرابر آمار رسمی به بالای ۵۰ تا صد درصد رسیده است. دستمزد کارگران دربرابرقرانی وتورم، بی معنی ترین مبلغ را دربرابر سبد هزینه های یک خانوار چهارنفره برای گذران زندگی آنان رقم می زند. سیمای اقتصاد و بازار کار ایران درآغاز سال ۱۳۹۱، با فرایندمرگ همه جانبه نیروی کاروفربه ترشدن اقتصاد

انگلی، واسطه ای و تجار بازاری نوکیسه همراه است. در مقابل بحران عمومی جامعه، همواره کارگران را در برابر قراردادهای موقت، بستن قراردادهای غیرمستقیم و بنگایی، سفید امضاء و بدون تاریخ در برابر وجود شرکت های پیمانکاری که حتی این اواخر دخالت در بازپرداخت حقوق کارگران را نیز به عهده گرفته اند. موجودیت قانون کارکذایی راهم نادیده گرفته و ظرفیت نهفته درون ارزش اضافی کارگران را به عهد دوران بردگی باستان رسانده و جامعه را به شکل بیمارگونه ای، رو به انحطاط و افلاس کشانده است.

باید اضافه نماییم؛ تاثیر انعکاس دوردوم تحریم ها در افزایش تورم به مراتب بیش تر و وخیم تر از دور اول نموده است. این حادثه دهشتناک بیش از همه برگرده طبقه کارگر و محرومین جامعه و توده اعماق اثر ویرانگری می گذارد. متاسفانه مادر سطح جمع آوری اخبار روز شمار کارگری کمتر با اخبار و رویدادهای روزمره اقشار متوسط و میانی جامعه روبرو هستیم ولی در تحلیل نهایی از دل اخبار عمومی بویژه؛ هرم گرانی های کالای روزانه می توان دریافت که فشارهای تورمی جدا از آنچه که بردوش توده میلیونی است. امروز اقشار پایین جامعه و اکنون به دوش نیروی متوسطی اجتماعی که حدود ۴۵ درصد آن میان درآمد است و حدود ۴۰ تا ۵۰ درصد آن جزو اقشار کم درآمد و ۱۰ تا ۱۵ درصد آن نیروی پُر درآمد کشورند. بعبارتی این بیماری در این مرحله خاصه در سال ۹۱ به اقشار میان درآمد نیز سرایت کرده است. پس باید امسال فراتر از سال پیش منتظر شنیدن فریاد ویژه نیروی متوسط به پایین بود. می توان شاید مثال های بیشماری را در این رابطه بیان داشت. نمونه بررسی وضعیت مسکن در سال های اخیر از اهمیت خاصی برخوردار است. هزینه مسکن در بین نیروی اجتماعی طبقات پایین، بخش وسیع درآمد های آنان را می بلعد. بدین معنی هر چند قیمت ملک افزایش داشته ولی باید توجه داشت که هزینه های اجاره خانه حتی آنان که خانه ی جدید می خرند. فشارهای مربوط به هزینه های وام بانکی و نواسانات بهره آن، هزینه های تعمیر و سایر هزینه های که در مجتمع های مسکونی متقبل می شوند. همه و همه تامین مالی اش بردوش صاحبان آنها وارد می سازد. بعبارتی با بالا رفتن قیمت مواد اولیه تاثیر خود را بر کلیه ی هزینه های صنایع وابسته می گذارد.

مطبوعات اعلام کردند: شورای عالی کار با حضور نمایندگان ۳ گروه (دولت، کارفرمایان و کارگران) در جلسه مورخ ۲۳ اسفند ۸۹ در اجرای ماده ۴۱ قانون کار و با در نظر گرفتن مصالح کارگران در انطباق هر چه بیشتر میزان درآمد آنان با سطح معیشت و همچنین با

توجه به مقتضیات بنگاه‌های تولیدی، کارفرمایان و شرایط اقتصادی جامعه، موضوع دستمزد کارگران را نهایی کرد. تا اینجا ادعایی بیش نیست. چراکه همان مطبوعات دولتی با اعلام و تعیین حداقل دستمزد ۳۳۰ هزار تومان که چندین برابر زیرخط فقر برای سال ۱۳۹۰ بود. این رقم جزگسترش فقر در بین کارگران هیچ نشانه دیگری برای یکایک آنان نداشته است. در تمامی اعلامیه‌ها و بیانیه‌های اول ماه مه سال کارگران تعیین حداقل دستمزد ۳۳۰ هزار تومان را محکوم نموده و فریاد برآوردند؛ حداقل دستمزد کارگران باید توسط نمایندگان منتخب و واقعی کارگران تعیین گردد و دستمزد کارگران باید بالاتر از خط فقر و تامین کننده یک زندگی انسانی و مرفه برای یک خانواده باشد. در مقابل این مبلغ شش شکل کارگری و فعالان کارگری، از جمله: «سندیکای کارگران شرکت واحد تهران، سندیکای کارگران نیشکر هفت‌تپه، اتحادیه‌ی آزاد کارگران ایران، هیئت بازگشایی سندیکای فلزکار- مکانیک، کانون مدافعان حقوق کارگر، انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه»، طی بیانیه‌ای در این زمینه گفته‌اند: «حداقل دستمزد کارگران باید بر اساس تورم موجود و احتساب تأمین شرافتمندانه‌ی هزینه‌ی یک خانواده‌ی چهارنفره در شرایط اقتصادی کنونی و با حضور نماینده‌های منتخب و واقعی کارگران تعیین بشود». یعنی دو پارامتر تورم و تأمین هزینه‌ی یک خانواده‌ی چهارنفره بر اساس گرانی موجود باید در نظر گرفته شود. همچنین «کمیته‌ی هماهنگی برای کمک به ایجاد شکل کارگری» طی صدور بیانیه‌ای در بهمن ماه نوشت و خواستار افزایش دستمزد به شکل معقول و شرافتمندانه و بر اساس تورم فزاینده‌ی موجود در جامعه شد؛ به ویژه تورمی که به تبع اجرای طرح هدفمندی یارانه‌ها ایجاد شده است. آنان خواستار افزایش دستمزدی شدند که کارگران بتوانند با آن، هزینه‌های زندگی‌شان را تأمین کنند و مجبور نشوند ساعت‌های طولانی اضافه‌کاری کنند و یا کاردوبله انجام بدهند. نکته مرکزی این کشاکش اینکه؛ در مقابل اعلام نرخ دستمزد کارگران در تمام طول سال ۱۳۹۰ ما با اعتراضات و نمایش قدرت و اعتصاب کارگران عمدتاً - بشکل پراکنده - در برابر رقم اعلان نرخ دستمزد کارگران روبرو هستیم. همه ما شاهدیم که هر یک از آنان تحرکاتی را به انجام رسانده‌اند که تماماً در سلسله خبرهای روز شمار کارگری و جدول‌های استخراجی ما شماره‌های ۱-۵-۸-۱۱ انعکاس یافته است ولی متأسفانه نتیجه بخش نبوده است و درب همچنان بر همان پاشنه می‌چرخد!

اول ماه مه سال ۱۳۹۰ و درس‌های آن:

در مرور و ارزیابی از سال ۱۳۹۰، نگاه ویژه به اول ماه مه (یازدهم اردیبهشت) داشتن وجوانب مثبت آنرا برشمردن از اهمیت خاصی برخوردار است. در آستانه اول ماه مه سال ۹۰ «شورای برگزاری مراسم روز جهانی کارگر سال ۱۳۹۰»، با انتشار بیانیه شماره ۱ با عنوان: «سال ستیزه‌بقاتی به جای جهاد اقتصادی» در تاریخ ۱۸ فروردین ماه ۱۳۹۰ قدم اول را برای طرح مطالبات کارگران ایران از منظر مستقل برداشت. متعاقب آن بیانیه شماره دوم این شورا نیز انتشار پیدا کرد. همچنین ما با فراخوان برگزاری جشن روز کارگر، با امضاء کارگران فلزکار میکانیک روبرو شدیم. بیانیه کانون نویسندگان ایران به مناسبت اول ماه مه، کانونیان خود را بعنوان کانون کارگران فکری قلمداد کردند و این روز را به طبقه ی کارگرایران و جهان تهنیت گفتند.

در اول ماه مه سال ۱۳۹۰ قطعنامه مشترک به مناسبت روز جهانی کارگر با شعار زنده باد اول ماه مه وزنده باد همبستگی بین المللی کارگران، امضاء گروه بندی های زیر را با خود داشت: « سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه - اتحادیه آزاد کارگران ایران - هیئت بازگشایی سندیکای کارگران نقاش و تزئینات ساختمان - هیئت بازگشایی سندیکای فلز کار مکانیک - کانون مدافعان حقوق کارگر - کمیته پیگیری ایجاد تشکل های کارگری - کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری » در ۱۴ ماده، عمده ترین مطالبات کارگران را ردیف کردند. جدا از این می توان به دهها سند دیگر از جمله: بیانیه روز اول ماه مه از طرف جمعی از کارگران منطقه عسلویه / سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه: روز جهانی کارگر، روز ماست. جمعی از دانشجویان دانشگاه های تهران نوشتند: « ما بر علیه این نابرابری ها با زهم قد راست میکنیم و در روز یازده اردیبهشت هم پای با کارگران میهنمان به خیابانها خواهیم آمد و فریاد آزادی سر خواهیم داد. همچنین» ائتلاف جنبش زنان با جنبش کارگری»، تحت امضاء زنانی دیگر. وجبهه واحد کارگری: جمعی از فعالین کارگری تبریز/ اتحادیه های مستقل کارگری شمال خوزستان و اتحادیه مستقل کارگران دزفول در قطعنامه مشترک خود، خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط کلیه زندانیان عقیدتی و همچنین تمامی کارگران و فعالین کارگری در زندان هستیم. ما خواستار تعطیلی یازدهم اردیبهشت روز جهانی کارگرو ثبت آن در تقویم رسمی کشور به عنوان یک روز تعطیل... اعلام کنند/ بیانیه ی جمعی از زنان آزادیخواه و برابری طلب سنندج به مناسبت این روز با شعار محوری «جهان ما نیازمند تغییر است.» / کارگران و پرسنل کارخانه کفش بلا: با شرکت در تظاهرات کارگری

۱۱ اردیبهشت فریاد کارگران محروم خواهیم شد/ بیانیه ی کارگران ایران خودرو با عنوان کارگران ایران خودرو در اول مه راهپیمایی می کنند / جمعی از کارگران فصلی و کارگران شاغل در کارخانه های منطقه دماوند/ بیانیه مادران پارک لاله به مناسبت روزکارگر - نگران زندگی طاقت فرسای فرزندانمان هستیم /انجمن جمال چراغ ویسی با اعلام اول ماه می : روز رزم طبقاتی کارگران/ بخشی ازدهها اطلاعیه و بیانیه داخل وخارج از کشور است که می توان درروزشمار کارگری فروردین واردیبهشت همه موارد آنان را مطالعه کرد. همچنین «کانون صنفی معلمان تهران» با اعلان معلمان وکارگران دربند راآزاد سازید، دراردیبهشت ماه به استقبال روزکارگرو روزمعلم رفتند.همچنین بیانیه عبدالله مومنی و محمد داوری از زندان، به مناسبت روز معلم ،فریاد معلمان دربند و خواست های آنان را طرح کردند.

باید اعلام داشت؛ نمی توان آزادی را به دست آورد مگر این که به مطالبات برحق لایه های محروم جامعه و سازماندهی مستقل کارگران و زحمتکشان توجه ضرور داشته باشیم . نمی توان مطالباتی چون حق کار، دستمزد متناسب با نرخ تورم،مسکن مناسب، پایان بخشیدن به عدم دریافت حقوق های معوقه،برابری حقوق زنان و مردان درعرصه کار، پایان بخشین به برده گی کارکودکان، درهم شکستن قرارداد های موقت کارولغو همه جانبه شرکت های پیمانی کاریابی ،همچنین بهره مندی ازحق بیمه ،بهداشت وسلامت واساسا برخورداری ازحق زندگی برابررا درجامعه مختنق وضدکارگری ایران به دست آورد، مگراین که تهاجم وحشیانه به سفره های خالی مردم را متوقف کرد. بیگمان نه تنها مانع اصلی تحقق آزادی که دشمن اصلی مطالبات ابتدایی وبدیهی اکثریت مردم ایران ،موجودیت همین نظام جمهوری اسلامی جهنمی است. بنابراین حمایت صریح خامنه ای ازبرچیدن سوبسید ها ازکالاهای اساسی مردم درسال۱۳۹۰ تنها می تواند با تحقق عملی پیوند هرچه گسترده ترجنبش مطالباتی با جنبش ضد دیکتاتوری و نظام سرمایه داری اسلامی ایران درشعارها واعتراضات سال جدید پاسخ بگیرد. اعتراضاتی که قبل از۱۱ اردیبهشت روزجهانی کارگر درقالب گفتگوها و بیانیه ها و قطعنامه ها بازتاب یافته و آنچه راکه ما دراین ارزیابی یکساله برآن پای می فشاریم: پلاتفرم"هفت تشکل"اعلام شده دربالا است. تشکلاتی که ازدرون پیکارطبقاتی جنبش کارگری ایران بیرون آمده وحاصل توافقات به نگارش درآمده میان فعالین و تشکل های شناخته شده آنان است.هریک ازآنان دراین جنبش پس ازسپری شدن سالیان متمادی کاروپیکاربرای تقویت جنبش کارگری کشورمان تلاش ورزیده وهزینه های

بس گزاف نیز پرداخته اند. بدون تردید حمایت و قبول آن و نقد برکاستی هایش می تواند، در حمایت و تقویت جنبش کارگری و رودررویی هایش با نظام سرمایه داری حاکم موثرافتد. این پلاتفرم می تواند مبنائی برای اتحاد عمل های مشترک سازمان های مختلف چپ گردد. نیروهایی که تا به امروز به تقویت قطب چپ پای می فشردند.

بحث اساسی این است حال که تشکل های کارگری داخل کشور، زیرتیغ نظام کارگرسنیزاسلامی، علیرغم اختلافاتی چند در عرصه های گوناگون نظری، توانسته اند مبنای مشترکی برای فعالیت مطالباتی و مشترک خود پایه ریزی کنند، بدون کمترین تردید، سازمان ها و تشکل ها و نهاد های مدافع حقوق کارگران و زحمتکشانش یعنی نیروهای چپ و سوسیالیست، نیز می توانند با درس آموزی از چنین اقدام مثبت و موثر هفت تشکل داخل کشور، چپ های کارگری نیز می توانند در دفاع از سلسله اشتراکات جنبش کارگری درون کشور همصدا شوند. در چنین شرایط و هنگامه ای این اقدام مشترک و متحد می تواند یکی از مهم ترین سرفصل های درس آموزی از قطعنامه هفت تشکل اول ماه مه امسال یعنی؛ سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه - اتحادیه آزاد کارگران ایران - هیئت بازگشایی سندیکای کارگران نقاش و تزئینات ساختمان - هیئت بازگشایی سندیکای فلز کار مکانیک - کانون مدافعان حقوق کارگر - کمیته پیگیری ایجاد تشکل های کارگری - کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری باشد...

می خواهیم در یک عبارت ساده، استنتاج آنچه را که از مجموعه پیام های اول ماه مه و بعد از آن برمی آید را اینگونه بنویسیم: آماج نهایی جنبش مطالباتی در سال ۱۳۹۰ نه فقط دولت ضد کارگری احمدی نژاد و یادی و کارگزاران آن، بلکه عقب نشاندن و بزیر کشاندن کلیت نظام را نیز در دستور کار خود دارند. مقابله با برچیدن یارانه ها و اعتراض به پیامدهای آن در حوزه های گوناگون؛ صرف نظر از شکل های آن، اساسا مقابله ای است با دستگاه رهبری که خیمه و عمود اصلی نظام جمهوری اسلامی است. بدون درهم شکستن این دستگاه، حمله وحشیانه این دیو صفتان شمشیر از نیام برکشیده به سطح عمومی معیشت مردم را نمی توان متوقف کرد. تنها از این همین روست که باید و لازم می نماید؛ بار دیگر به پیوند استوار درونی پیکار برای آزادی و برابری و وصول نان در جامعه ما و به سطح کشاندن آنها بکوشیم و باور داشته باشیم، که علیرغم لازم بودن صدور بیانیه ها و اشتراک عمل ها، قبول نماییم که جنبش میلیونی کارگران کشور تنها و تنها با اعلامیه ها و بیانیه دادن های خود، نمی توانند این نظام ضد کارگری را به عقب

نشینی و دارند بلکه تنها لازم است همزمان به شکل جدی بر سازماندهی نیروی کار همه بخش خدمات متمرکز شوند و حلقه محاصره دستگاه های امنیتی و سرکوبگر رژیم را در این هردو حوزه، یعنی هم در محیط کار و هم زیست خویش یعنی در سطح محلات زحمتکش نشین ببرند. باید این مبارزه را هم در میان لایه های عظیم میلیونی نیروی معلمان کشور همچون آموزش و پرورش، استادان دانشگاهها، بازنشستگان و در سطح بیمارستان های کشور یعنی در میان نیروی عظیم پرستاران و بخش عظیم خدمات شهری یعنی اتوبوسرانان، تاکسی رانان، رانندگان قطارها و متروهای شهری یعنی ورانندگان کامیون ها و بخش خدمه آنان یعنی این نیروی عظیم واحد های حمل و نقل شهری و بیابانی با نیروی کارگران صنایع و واحدهای کارگاهی گره بزنند. سرنوشت مبارزات کارگری بخش های مختلف بیش از هر زمان به پیوند این بخش ها و گسترش آنها بشکل توأمانی گره خورده است. سازمانیابی و برداشتن موانع اساسی پیشروی کارگران در محیط کارزویست آنان با نیروی میلیونی ارتش کارگران اخراجی یا از کار بیکار شده و خانواده های پرشمار آنان در کنار خانواده های زندانیان کارگر همه و همه می تواند، توان مقابله همه بخش های کارگران ایران را افزایش داده و مبارزان کارگران را از وضعیت دفاعی به موقعیت اعتراضی بکشاند.

حوادث کارگری در حین کار:

ماه فروردین، یادآور کشتار کارگرانی است که در یکی از دهها معادن دولتی و بخش خودمانی شده صنعت، جان باختند. گفتنی آنکه دو سال پیش در تاریخ ۳۰ فروردین ۸۸ ما شاهد قتل عام شدن عمدی تعداد پانزده تن از کارگران معدن زغال سنگ "باب نیزو"ی کرمان بودیم. جنایتی که بعد از کشتار معدن شاه زند اراک، فروریختن بنای ساختمانی سعادت آباد و دهها و صد ها جنایت دیگر، برای طبقه کارگر ایران و فعالان مدافع این جنبش عظیم طبقاتی، هیچ جای سکوت و فراموشی نمی گذارد.

حوادث حین کار در ایران، هر ساله با جان سختی سرمایه داری حاکم در ایران چه دولت به مثابه بزرگترین کارفرما و هم بخش خودمانی شده صنایع بشکل توأمان به نیروی اجتماعی کار یعنی کارگران، بی اعتنائی و حشاکتی نشان می دهند. سرمایه داری عنان گسیخته در ایران، کارگران را در حین کار به چشم کالا برای سودآوری خویش نگاه می کنند. روند قوانین سودآوری کالادر ایران بدون کمترین توجه به ضمایم پیشگیری حوادث کار بخدمت گرفته می شود. در این میان نیروی کار کارگران که منبع اصلی سودآوری کارفرمایان بحساب می آیند و کار کارگران بعنوان ارزش اضافی به صندوق آنان سرازیر می گردد و همانگونه که یاد

کردیم؛ همچون کالا بدان نگاه می کنند و در نتیجه جان کارگران و پوشش ایمنی دادن به آنان درحین کار برای کارفرمایان اهمیتی نداشته و ندارد. چرایش برای ما مشخص است. زیرا حفاظت و تامین جان کارگران حین کار برای کارفرمایان هزینه بخش است و از سودآوری آنان می کاهد. از این نظر است که کارگران از وسایل ایمنی کاربری بهره اند و سخت ترین و طاقت فرساترین کارها را با انجام می رسانند تا سرمایه داران و آزطلبی آنان سیراب شود. گفتن ندارد که در ایران حوادث حین کار در سطح معادن و کارهای ساختمانی از آنچنان سطحی برخوردار است که هر روز از روز قبل، پیشی می گیرد.

مطابق آمار سازمان جهانی کار، هر ساله در سراسر دنیا، بیش از یک میلیون نفر در روز به حوادث ناشی از کار گرفتار می آیند که از این میان بیش از پانصد و پنجاه هزار به کام مرگ کشانده می شوند. در ایران حوادث ناشی از کار بر پایه گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران- ایلنا و دیگر خبرگزاری های دولتی، در برخی از بخش های کار، ۲۰ بار بیشتر از کشورهای توسعه یافته است. باید اذعان داشت که آمار دقیقی از حوادث کار موجود نیست و دولت و مراجع حکومتی آمار واقعی ارائه نمی دهند و حتی در بسیاری موارد از نام بردن قربانیان حوادث طفره می روند ولی به هر صورت حوادث ناشی از کار مطابق با آمار حکومتی، جان ۱۲۹۰ تن در ایران را در سال ۱۳۸۹ می گیرد که ۳/۳۶ درصد آن سقوط از بلندی در کار های سخت و بی حفاظ ساختمانی بوده است. کار در معادن و برخورد با جسم سخت، برق گرفتگی، سوختگی، چاه کنی و غیره به ترتیب در مراحل بعدی قرار می گیرند و هر ساله مرگ ناشی از حوادث کارویا مصدوم شدن و نقص عضو، افزایش می یابد. بطوریکه سال ۸۸ نسبت به سال ۸۷ افزایشی قابل توجه ای داشت. یعنی ۴/۶۴ درصد صعود می یابد. ولی در سال ۱۳۹۰، مطابق با گزارش اداره کل روابط عمومی و امور بین المللی سازمان پزشکی قانونی کشور، مندرج در سایت "سازمان پزشکی قانونی کشور"، در شش ماهه نخست سال ۱۳۹۰، اعلام داشته اند: « تعداد ۷۷۸ نفر در حوادث کارجان خود را از دست دادند. این آمار در مقایسه با ۶۵۵ نفری که طی مدت مشابه سال قبل بر اثر همین حوادث جان باختند، ۸/۱۸ درصد بیشتر است». ولی از تناقض گویی آمارهای دولتی و سازمان های رسمی آن به این نتیجه می رسیم که حوادث ناشی از کار، جان هزاران نفر از کارگران و زحمتکشان جامعه را می گیرد. کافی است به دیگر گزارش خبرگزاری دولتی مهر مراجعه نموده و به گفته دکتر محمود خدا دوست، رئیس مرکز تحقیقات پزشکی قانونی توجه نمائیم. به گزارش وی فقط به فقط در گودبرداری های ساختمانی در سال مورد مطالعه ما یعنی ۱۳۹۰، هزار و پانزده (۱۵۰۰) نفر جان خود را

از دست داده اند. مرگ و میر کارگران در اثر سانحه و عدم رعایت وسایل ایمنی نیز به دفعات گزارش شده است. در چنین شرایطی اگر بخواهیم جان باختن کارگران در بخش های دیگر را هم منظور نمائیم، با رقمی بسی بیشتر از منابع خبرگزاری های دولتی روبروی شویم.

آن گونه که در بالا یاد کردیم؛ نظام سرمایه داری تنها به جنبه سودآوری کار و افزایش تولید توجه می کند و جان کارگران و گذران زندگی آنان و خانواده های ایشان ارزشی ندارد. این همه در حالی است که در ایران اسلامی، کارگران در حین کار، کمترین پوشش حمایتی، بیمه کارگران در حین کار، امر درمانی، صندوق حمایت از خانواده حادثه دیده و مراجع پاسخگویی نیست و اغلب پرونده های مربوط به حوادث منتهی به مرگ و میر کارگران در معادن و کارهای سخت نفتی، آتش سوزی ها و غیره ... هنوز است بلا تکلیف باقی مانده و خانواده های آسیب دیده، سخت در گذران معاش خود می باشند و هیچ کس هم پاسخگو نیست. بدین منوال است که ما همواره در ارائه حوادث کار در ایران مطرح ساخته ایم: دسترسی ما به آمارهای دقیق، کامل نبوده و تنها بیا نگر بخش بسیار کوچکی از حوادث ناشی از محیط کار است که در آن کارگران یا زخمی شده اند و یا جان خود را از دست داده اند.

جدول شماره ۲۰ در این ارزیابی آماری به ما در رابطه با حوادث کار داده های آماری معینی را نشان می دهد. لازم به یادآوری که جدول یاد شده، حاصل تلاش فعالان "نهاد های همبستگی با جنبش کارگری در ایران- خارج از کشور" در سال ۱۳۹۰ است که توسط ما تکمیل شده و مورد بهره برداری مجدد مان در این ارزیابی آماری قرار گرفته است. باشد که در دوره های بعدی خودمان از روز شمارهای کارگری سال های بعد، جداول مشابه استخراج نماییم .

مطالبات بی پاسخ مانده کارگران در سال ۱۳۹۰

مطالبات بی پاسخ مانده کارگران را در جدول های شماره ۲ / ۹ / ۱۲ / جدول شماره ۱۵ دستمزدهای معوقه سه ماهه اول و دوم، سوم و چهارم سال ۱۳۹۰ و جدول شماره ۱۶ نیز در مقام مقایسه بین دو سال ۸۹ و ۹۰ برآمده است. این خواست های بی پاسخ مانده شامل :

افزایش دستمزدها - جلوگیری از اخراجها - ممانعت از تعطیلی کارخانه ها - خواست حق تشکل - اعتراض به واگذاری صنایع و کارخانه ها به بخش خصوصی - اعتراض به عدم افزایش حقوق و مزایا، عدم پرداخت حقوق های معوقه، و غیره ... مواردی است که در جدول های یاد شده موارد گوناگون

آن عینا آمده است.

همچنین پایین ماندن نرخ دستمزدها و بازپرداخت دستمزدهای متغیرکارگران - تنگناهای معیشتی کارگران - رشد بیکاری و اخراج های بیرویه و موضوع ورشکستگی عمومی بخشی از صنایع کشور در سال ۹۰ و همچنین باید از سوانح، مرگ و میر حوادث حین کار کارگران، قرارداد های موقت و سفید امضاء، گرانی و تورم، شعار حذف یارانه ها که هجوم به سفره خالی کارگران را در برابر خود داشت. مشکلات زنان کارگر و رفع تبعیض جنسیتی- نابرابری های اقتصادی- سیاسی- اجتماعی علیه زنان، کودکان خیابانی کار و بلا تکلیفی وضعیت آنان، تخریب محیط زیست و خاصه خشکسالی و ویرانی تالاب ها و رودخانه ها و دریاچه ها، و ... همه و همه مسائل بی پاسخ مانده ای است که باید آنرا پی گرفت. در این میان ایضا دشواری زندگی روستائیان و کارگران روستایی در عرصه کاشت و برداشت و فروش محصولات آنان در برابر واردات بیرویه و غیر قابل کنترل، مافیای های قدرت و آقا زاده ها، دلال های انگلی بازار و دستگاه های نا نوشته و نهادهایی همچون؛ سپاه و این او ا خربسیج، و دهها سوراخ و سنبه ناشناخته که همه آنها خون خود را گسترده اند، آنها عمدا بر سر کالاهای اساسی مصرفی عموم مردم به مانند؛ برنج، چای، شکر، روغن، منسوجات، کفش، و غیره، که با دخالت گری غیر قابل کنترل خود، اسباب ورشکستگی این صنایع داخلی را فراهم ساخته اند. موارد فوق سطوح اساسی بررسی روز شمار کارگری سال ۱۳۹۰ است.

roozshomar_k@yahoo.com

خرداد ۱۳۹۲ برابر با مه ۲۰۱۳

برای مشاهده جداول و روز شمارها به پیوندهای زیر نگاه کنید

روز شمار کارگری سه ماهه (فروردین - اردیبهشت و خرداد) سال ۱۳۹۰-۲۰۱۱

گردآورنده و تدوین: امیرجواهری لنگرودی

http://www.rahekargar.net/labor_iran/20110702_196_RS-mah123sal1390.pdf

روز شمار کارگری سه ماهه (تیر، مرداد و شهریور) سال ۱۳۹۰-۲۰۱۱

http://www.rahekargar.net/labor_iran/2011-10-29_233_kargari.pdf

روز شمار کارگری سه ماهه (مهر- آبان - آذر) سال ۲۰۱۱ - ۱۳۹۰

<http://asre-nou.net/php/view.php?objnr=19213>

روزشمارکاری سه ماهه چهارم (دی- بهمن- اسفند) سال ۱۳۹۰-
۲۰۱۱ و ۲۰۱۲

http://www.rahekargar.net/labor_iran/2012-06-02_305_rooshomar.pdf

ویراستار: مهرداد مهربور محمدی